

نگاهی به راهکارهای تربیت دینی و تأثیرات آن بر کودکان

دین نیاز فطری بشر است و هدف از تربیت دینی، حضور قرآن و سیره معصومین (ع) در متن زندگی دانش‌آموزان است. با تعلیم مسائل دینی و با روش‌های مطلوب و خاص می‌توانیم در دانش‌آموزان درک و شعور دینی ایجاد کنیم.

اگر تلاش همه ما بر این باشد که از طریق روح حاکم بر تمامی برنامه‌های رسمی و غیررسمی (فوق برنامه و مکمل) تربیت، تزکیه و تأدیب صورت گیرد و مفاهیم نظری به صورت «رفتار دینی» درآید، می‌توانیم ادعا کنیم که تربیت دینی تا حد زیادی تحقق پیدا کرده است.

آنچه با توجه به مقتضیات زمان در تربیت دینی باید مدنظر قرار گیرد، اصلاحات در روش‌های تربیت دینی است. مدیریت مراکز آموزش و پرورش ما با توجه به تفاوت‌های فردی در دانش آموزان، اصل زیبایی‌شناسی و ابزار هنر را به ویژه در غنی‌سازی، اوقات فراغت و فوق برنامه باید لحاظ کنند و در این مسیر عمدتاً به مراحل رشد کودکان و نوجوانان در گروه‌های سنی پیش از دبستان، دوره دبستان و دوره راهنمایی توجه داشته باشند و همچنین باید به اهمیت نقش خانواده در ایجاد معنویت و تربیت دینی کودکان توجه جدی شود و با ایجاد راهکارهای مختلف در خانواده‌ها زمینه رشد معنوی و تربیت دینی کودکان را فراهم کرد.

بالا بردن استعدادها و کودکی در تربیت دینی امر مهمی است که این استعدادها می‌تواند در چهار بعد اخلاقی، عقلی، دینی و هنری شکوفا شود. دین نیاز فطری بشر است و روح و روان انسان با دین آمیخته است.

توجه به اینکه توجه به پروردگار منان باعث آرامش در فرد می‌شود لذا دیدگاه ما درباره تربیت دینی براساس پرورش دانش آموزان در تمام ابعاد زندگی چون اخلاقی، ارزشی، اجتماعی و مناسک متجلی می‌شود تا شخص را به معنای حقیقی خود دین باور بدانیم.

امام باقر (ع) در رابطه با تربیت دینی کودکان راهکاری ارائه کرده و می‌فرمایند که کودک را از ۳ سالگی با مفهوم توحید و در سن چهار سالگی با نبوت پیامبر آشنا کرده، در ۵ سالگی کودک را به روی قبله نشانده و سجده در پیشگاه خداوند را به او آموزش دهیم، همچنین در ۶ سالگی رکوع و سجود و نهایتاً در هفت سالگی می‌توان وضو با نماز کامل را به کودک آموزش داد.

مقصود اصلی این است که با افزایش سن کودک سه گونه احساس مذهبی در کودک می‌توان به وجود آورد. رشد و گسترش حس مذهبی، ترتیب و پیدایش آموخته‌های مذهبی.

مرحله سوم پیدایش پرسش‌های مذهبی نشأت گرفته از مرحله دوم در کودک است. که پاسخ دادن به این آموخته‌های مذهبی می‌تواند در جهت تربیت دینی کودکان مؤثر باشد.

یکی از محورهای مورد نظر مداومت والدین با فرزندان خود در باره موضوعات دینی و انجام امور دینی و تعداد دفعاتی است که والدین با فرزندان خود در این زمینه صحبت می‌کنند. نتایج بررسی‌ها نشان داده است که والدینی که با فرزندان خود

بیشتر صحبت می‌کنند از نظر سطح تربیتی و قابلیت‌های اجتماعی و فردی با سطح تربیتی بالاتری نسبت به همسالان خود هستند.

وحدت نداشتن در بینش و منش و همچنین وحدت نداشتن در هدف و خط مشی، از عوامل مهم آسیب‌شناسی تربیت دینی در جامعه ما به شمار می‌آید.

یکپارچگی آموزش و پرورش و تربیت دینی کودک

اگر یکپارچگی به مفهوم واقعی کلمه در ساختار و تشکیلات، با رویکرد تلفیق فعالیت‌های آموزش و پرورش شکل منسجم خود را پیدا نکند، قطعاً آسیب‌پذیری نسل جوان ما در آینده بیشتر از گذشته خواهد بود. در همین مسیر باید به جاذبه‌های دینی با توجه به استعداد جامعه و جایگاه دین در عرصه بین‌المللی و بحث جهانی شدن توجهی دقیق و زیرکانه داشت.

اگر بحث تربیت دینی بر این مبنا باشد که دین به مفهوم جوهر زندگی تلقی شود، آنگاه لزوم آگاهی نسبت به اهمیت، ضرورت، فواید و نسبت دین با دیگر حوزه‌های معرفت مشخص خواهد شد.

در دنیای کنونی توسعه و ایجاد مدارس به مفهوم امروزی، گسترش سریع فناوری و ارتباطات، صنعتی شدن جوامع و نیازهای متنوع عصر انفجار دانش، دایره تأثیرگذاری عوامل مختلف را بر افکار و اندیشه‌های دانش آموزان گسترده‌تر از گذشته کرده است.

بنابراین سهم خانواده‌ها و حتی معلمان در تکوین شخصیت دانش‌آموزان، روزه روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

عوامل محیطی به ویژه رسانه‌ها نقش عمده‌ای را برعهده دارند و به صورت شبانه‌روزی در تغییر اندیشه‌ها و افکار کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان نقش تأثیرگذار و مهم خود را ایفا می‌کنند. آنچه مسلم است این که هنوز مدارس ما به عنوان اصلی‌ترین کانون‌های تربیتی مورد توجه و برنامه‌ریزی دقیق و صریح قرار نگرفته‌اند.

منبع: خبرگزاری قرآنی ایران